

یادداشت مترجم: بار اول در آوریل ۱۹۹۶ بود که دهکده قانا (در جنوب لبنان) مورد حمله نیروهای اسرائیلی قرار گرفت و جمعی از اهالی غیرنظامی که در یک مقر وابسته به نیروهای ملل متحد پناه گرفته بودند به خون در غلتیدند. حاصل این جنایت، ۱۰۶ کشته و بیش از صد زخمی بود. شورای امنیت خواستار محکوم کردن اسرائیل بود ولی آمریکا آن را وتو کرد.

۱۰ سال بعد، در ژوئیه امسال دوباره به قانا حمله شد و باز کشتاری دیگر صورت گرفت. از ۵۵ کشته بیش از ۲۷ تن کودک بودند. این بار هم محکومیتی درکار نبود!

سطوری که در زیر می خوانید ترجمه ای ست از یادداشت های روزانه شاعر بزرگ فلسطین، محمود درویش، که در شهر رام الله (فلسطین) به سر می برد. منبع: آدرس زیر:

<http://www.alkarmel.org/prenumber/issue88-89/darwesh.pdf>

## قانا

[رونوشت جدید]

محمود درویش

ترجمه از عربی: مصطفی ناصر

سپیده دم امروز، سی ام ژوئیه، دولت اسرائیل برتری نظامی قاطع خود را جامه عمل پوشاند: در قانا بر کودکان پیروز شد، و آنان را تکه تکه کرد. کودکان در خواب بودند و خواب می دیدند که سالم به بستر و رختخواب اصلی خود، باز می گردند. شاید هم خواب یک صلح کوچک را می دیدند بر این زمین کوچک. خواب می دیدند که آرام آرام بزرگ می شوند و اول پائیز به مدرسه می روند، خواب می دیدند که از مدرسه فرار می کنند اما نه از ترس هواپیماها... بل به دلیل به تنگ آمدن از درس جغرافی. اما در خواب کشته شدند بی آنکه بیدار شوند و سپس بترسند و فریاد زنند. خواب بودند و خواب ماندند... دستهای برخی از آنها روی سینه هاشان بود، برخی هم دستها شان قطع شده بود. دیر زمانی ست که دیگر نمی گریم، از آن زمان که فهمیدم اشکم آنانی را شاد می کند که مرده ام را دوست می دارند. اما آنان که ما را مرده می خواهند امروز سرمست از پیروزی شان شادمانی می کنند... سرمست اند از اینکه غریزه نفرت و قتل رایگان بر سرشت عشق کودکان به مادرانشان پیروز شده است. نه، شیر سیاه نیست. شیر خون روان است و خشکیده. پس بگذار این بار گریه کنم بدون احساس گناه و بدون هراس از ملامت این و آن. قاتلان، همانها که قانای اول را مرتکب شدند از ترس اینکه فراموش کنیم بار دیگر نمایش و اجرای کشتار را تکرار می کنند، مبادا کسی از ما باور کند که رؤیاهای کودکانمان که خواب صلح می بینند دست یافتنی و ممکن است. این بار پوزشی نخواستند، تا مبادا کسی آنان را متهم کند که گویا بین قاتل و مقتول برابری اخلاقی قائل اند. نه نمی توانم با کسی سخن بگویم تا از من نپرسد: چه می نویسی؟ اگر زبان، بلاغت را هدف خویش بداند در توصیف، پروای اخلاق ندارد. زبان را آن شایستگی نیست که به تشریح این تصویر بپردازد، این تصویر را گنجایش تکه پاره های اجساد فرشتگان نیست. چند مسیح کوچک را می توان در یک شمایل گنجاند؟ آن کس که امروز شعری بسراید و یا تابلو نقاشی کند و یا رمانی را بخواند و یا به موسیقی گوش فراهد... بزهکار است. این عید دولتی است که بر فرشتگان پیروز شد و به یادمان آورد که آتش بس استراحت کوتاهی است بین این کشتار و کشتار بعد!

رام الله، ژوئیه ۲۰۰۶